

## پیشخوان

نظری و گدّری بر خاطرات زنده یاد احمد منصوری

## روزی که شکنجه گرم را در دادگاه دیدیم!

■ احمد رضا صدّری



استاد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. ناز نمای ناشی در توصیف مطالب این کتاب به نکات بی آمده اشارت برده است: «انقلاب اسلامی ایران که در بهمن ۱۳۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به پیروزی رسید، از نادر پدیده‌هایی است که با محوریت اسلام، مردم، رهبری دینی و نقش آفرینی نیروهای مذهبی به وقوع پیوست. در مبارزه با ایدئولوژی و سیاست‌های رژیم پهلوی، بر پایه=اصول اسلامی و آموزه‌های دینی، جامعه ایدآلی را ترسیم نمودند که بی شک پیروزی انقلاب اسلامی، نتیجه مجاهدت و تلاش‌های آنان است. برای شناخت دقیق و همه‌جانبه فعالیت‌ها و عملکرد سیاسی-اجتماعی این جریانات، مرکز اسناد انقلاب اسلامی به عنوان متولی تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، تاکنون خاطرات بیش از شصت شخصیت مبارز مرتبط با انقلاب را تدوین و منتشر کرده است. یکی از این شخصیت‌های مبارز آقای احمد منصوری است، که مرکز اسناد نسبت به ضبط و سپس تدوین خاطرات ایشان همت گماشته است، تا از این طریق بتوانند به روشن‌کردن دوره‌ای از فعالیت نیروهای مذهبی و تبیین شرایط اجتماعی و سیاسی ایران در دوران گذشته کمک نماید.



زنده یاد سردار احمد منصوری

خاطرات احمد منصوری در کنار سایر منابع و خاطرات شخصیت‌های انقلابی، می‌تواند به روشن‌تر شدن وقایع و تاریخچه گروه‌های مذهبی کمک نماید. خاطرات وی از گروه حزب‌الله، حزب ملل اسلامی و به‌ویژه ناگفته‌هایی که از وضعیت زندان و زندانیان سیاسی و فعالیت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بیان کرده است، قابل توجه و دقت است. همچنین شیوه فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق برای جذب زندانیان سیاسی و تغییر ایدئولوژی آنان، کارسازی آنان در زندان و اختلافات درون سازمانی آنان و مواضع جریانات مختلف سیاسی نسبت به انقلاب اسلامی، از دیگر موضوعات مهمی است که در این خاطرات مورد توجه قرار گرفته است...»

سردار احمد منصوری در بخشی از خاطراتش، حضور خود در دادگاه کمالی شکنجه‌گر ساواک را، اینگونه روایت کرده است: «کمالی همان بازجوی من در سال ۵۴ بود که طی چند هفته شکنجه و اذیت از من می‌خواست، تا همکاری با ساواک را بپذیرم و عامل پرونده‌سازی و محکومیت من به ۱۱ سال حبس بود. او که استوار بازنشته‌ار تش بود و در ایام بازنشستگی به ساواک پیوسته بود فردی خشن، بی‌رحم و بسیار بددهن بود. فحش و کلمات زشت، در ضمن بازجویی از دهانش می‌بارید! روز بازجویی به اوین رفتم. داد‌گاه در یک سالن بزرگ بود. رئیس دادگاه آقای محمدی گیلانی بود. دو نفر قاضی دیگر هم، در قضاوت به ایشان کمک می‌کردند: یکی از ایشان ججت‌الاسلام نبیری بود که در دوران تحصیل در دبیرستان علوی، هم‌کلامم بود. سالیان درازی بود که او را ندیده بودم و بعد از ترک مدرسه علوی، اولین بار بود که او را می‌دیدم. شاکیان عده زیادی بودند که غیر از خودم فقط نام آقای نبیلی بود و حجت‌الاسلام شجونی را به خاطر دارم. عده زیادی هم از خانواده‌های شاکیان و مردم دیگر به عنوان تماشاچی در دادگاه حاضر شدند. همگی نشستیم تا بالاخره کمالی را تحت الحفظ، از سلولش به دادگاه وارد کردند و در ردیف جلو جای دادند...»

■ نیما احمدپور

روزهایی که بسر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز رحلت مرجع انقلابی و خدوم، زنده یاد آیت‌الله العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی است. هم از این روی و در نکوداشت یاد و خاطره آن بزرگ، جلوه‌هایی از سیره سیاسی و اجتماعی وی را در آیینته خاطرات اطرفیای و مرادانش یاز خواننده‌ایم. امید آنکه علاقمندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■ ■

■ **هم‌دوره و هم‌درس رهبری**

زنده یاد آیت‌الله العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی، در صف نخست حامیان نظام اسلامی و رهبر معظم انقلاب در حوزه علمیه قم قرار گرفته بود. سابقه او با حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای اما، به دوران جوانی بازمی‌گشت. چنانکه آیت‌الله سید محمدرضا علم الهدی از اصحاب آن مرجع فقید، چنین گفته است:

«آیت‌الله العظمی علوی گرگانی هم‌دوره و هم‌درس رهبر معظم انقلاب اسلامی بودند و آقا هم به ایشان التفات خاصی داشتند. در آن ۱۱ روزی که مقام معظم رهبری به قم آمدند، وقتی آیت‌الله علوی گرگانی می‌خواستند مجدداً به دیدار ایشان بروند، رهبری فرموده بودند: در این شلوغی امکان دیدار به شایستگی فراهم نمی‌شود، بعد از این سفر، یکی بار از تهران برای دیدار با شما خواهیم آمد... این دیدار انجام شد و ایشان با رهبری، چند ساعتی گفت‌وگو و خاطرات گذشته را مرور کردند...»

■ **رهبری فصل الخطاب ماست**

شناخت دیرین آیت‌الله علوی گرگانی از رهبر معظم انقلاب اما، موجب گشته بود که وی در بزنگاه‌های مهم ربع قرن اخیر، همگان را به اطاعت از ایشان فراخواند و به ویژه جوانان و دانشجویان را، متوجه این مهم نماید. حجت‌الاسلام محمدرضا طالبی از اعضای دفتر آن مرحوم، اظهار داشته است:

«در طول این ۱۰ سال که در محضرشان بودم، در اکثر دیدارها، به‌خصوص دیدار با دانشجویان — که فراوان هم به دیدارشان می‌آمدند سه دربارہ نقش ولایت فقیه و انقلاب اسلامی صحبت و به مسئولان دانشگاه‌ها نیز توصیه می‌کردند که جوانان دانشگاهی حجت‌الاسلام محمدرضا طالبی از اعضای دفتر آن مرحوم، اظهار داشته است:

»

حجت‌الاسلام سیدمهدی علوی گرگانی: «ایشان همواره به مسئولان، درباره رسیدگی به امور مردم تذکر می‌دادند. چون کشاورزان زیاد به ایشان مراجعه داشتند، خیلی دربارہ کار آنها حساس بودند. حتی یک‌بار پول گندم کار‌ها را دیر داده بودند، حاج آقا تلفن زدند و باعث شدند که دولت حق آنان را زودتر بدهند! ایشان در چند مورد، تذکراتی خصوصی که در رسانه‌ها منتشر نشدند، برای رؤسای جمهور جمهوری اسلامی ایران»

## تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۳۲۷



«سیره سیاسی و اجتماعی آیت‌الله العظمی سید محمدعلی علوی گرگانی» در آیینته روایت‌ها

# افتخار می‌کنیم که رهبری آگاه در رأس امور داریم

دیده‌اند، ما هم یک نظر داشتیم و دادیم، اشکال ندارد. مردم هم ققدر خوشحال شدند و تشکر کردند. گفتیم: لافال مردم را در این جریان تنها نگذاریم. مردم هم ققدر خوشحال شدند، از اینکه به یادشان هستیم. هم دل آنها را به‌دست آوردیم، هم اطاعت از فرمایش رهبری کردیم...»

■ **مسئولان باید به احکام اسلامی شریعی و نیازهای مردم، توجه کامل داشته باشد**

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی طاهری گرگانی از اقوام آیت‌الله و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در ادوار هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی عالم است. آنچه وی از منش سیاسی و اجتماعی آن بزرگ‌عامل به خاطر برسرده است، می‌تواند آیینته‌ای از سیره و حساسیت‌های آن فقیه آگاه باشد و ممشای ایشان را، شفاف‌تر نماید:

«در دوره‌های هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام خدمتگزار می‌به مردم را داشتیم، هنگامی که خدمت ایشان می‌رسیدم، ایشان به مسائل حوزه کاری بنده، توجه فراترانی نشان می‌دادند. به‌طور ویژه چون من در کمیسیون فرهنگی بودم، درباره مسائل این حوزه بیشتر صحبت می‌شد و ایشان دغدغه‌هایشان را مطرح می‌کردند که چه مسائلی و در کجاها باید پیگیری شوند. ایشان این مسائل را به عنوان دغدغه‌های دینی و ملی مدنظر داشتند. این موضوع فقط محدود به ما هم نمی‌باشند، بلکه گاهی که خدمت ایشان مشرف می‌شدیم، می‌فرمودند: فلان وزیر یا حتی رئیس‌جمهور آمده بود و من این سفارش‌ها را به او هم کردم... معلوم می‌شد که ایشان تقید داشتند، تا دغدغه‌های مردم را به‌گوش مسئولان برسانند. گاهی که در مورد بعضی از مسئولان، احساس می‌کردند که با رهبر معظم انقلاب اسلامی زاویه دارند، در جلسات خصوصی به آنها تذکر می‌دادند: شما باید در کلیت کارهایتان، تابع ولی فقیه باشید... این غیر از مواضع کلی ایشان بود که رسانه‌ای می‌شد. ایشان غیر از اینکه در حمایت از جایگاه ولایت فقیه بسیار تقید داشتند، از شخص رهبر معظم انقلاب نیز به‌طور قاطع پشتیبانی می‌کردند. این امری است که در رفتار آن بزرگوار، به شکل واضح دیده می‌شد. عرض کردم که منظر شده‌اند و من هم عرض می‌کردم. اگر نکته‌ای به نظرشان می‌رسید، مطرح می‌کردند که برای ما



# جوان

## د

**حجت‌الاسلام سیدعلی طاهری گرگانی: «گاهی که در مورد بعضی از مسئولان، احساس می‌کردند که با رهبر معظم انقلاب اسلامی زاویه دارند، در جلسات خصوصی به آنها تذکر می‌دادند: شما باید در کلیت کارها یتان، تابع ولی فقیه باشید... این غیر از مواضع کلی ایشان بود که رسانه‌ای می‌شد. ایشان غیر از اینکه در حمایت از جایگاه ولایت فقیه بسیار تقید داشتند، از شخص رهبر معظم انقلاب نیز به‌طور قاطع پشتیبانی می‌کردند...»**

بسیار قابل استفاده بود. ما در صحن علنی مجلس هم، مسائلی را پیگیری می‌کردیم که من کلیت آنها را خدمت‌شان عرض می‌کردم و ایشان تأکید می‌کردند: مجلس باید به احکام اسلامی و شرعی، توجه کامل داشته باشد و علاوه بر این، پاسخ به نیازهای مردم را در اولویت قرار بدهد... در سالیان اخیر و به‌خصوص در دولت قبلی به‌وضعیت معیشتی مردم توجه کافی نمی‌شدند. ایشان در دیدار اغلب مسئولان با ایشان، این دغدغه‌ها را مطرح می‌کردند و می‌فرمودند: شما در قبال این مسائل مسئول هستید و مردمی که به ما مراجعه می‌کنند، واقعاً مشکل دارند... همان‌طور که اشاره کردم، تأکید بر حل مشکلات معیشتی مردم، یکی از تقیدات ایشان بود. دربارہ بنده به مسئولان تذکر می‌دادند و از آنان مطالبه می‌کردند...»

■ **شما بزرگ‌شده سر سفره آقا امام زمان (عج) هستید!**

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی علوی گرگانی، فرزند و همراه زانمی آیت‌الله علوی گرگانی است. او که معمولاً در جریان ملاقات‌های پدر با مسئولان سیاسی و اقتصادی کشور بوده، از دغدغه‌های ایشان در این حوزه‌ها چنین گزارش داده است:

«همیشه به ما فرزندان‌شان می‌فرمودند: شما بزرگ‌شده سر سفره آقا امام زمان(عج) هستید... ما را منع می‌کردند که تا جایی که می‌توانید، وارد کارهایی از قبیل نمایندگی مجلس و این نوع مناصب نشوید، چون دیگران به اندازه کافی هستند و ما که طلبه و روحانی هستیم، تا بتوانیم باید کار روحانیت‌مان را پیش ببریم. لذا اگر بتوانیم درس بخوانیم، کسه چه بهتر، اگر نتوانیم منبر برویم، یا درس بدهیم، یا تألیفات داشته باشیم، یا اسام جماعت باشیم، ترجیح دارد که به این امور بپردازیم. لذا همواره به مسئولان هم، درباره مردهداری و رسیدگی به امور مردم تذکر می‌دادند، چون خوشدان اهل روستا بودند و کشاورزان زیاد به ایشان مراجعه داشتند، خیلی درباره کار آنها تذکر می‌دادند. حتی یک‌بار پول گندم کار‌ها را در داده بودند و حاج آقا تلفن زدند و باعث شدند که دولت، پول کشاورزها را زودتر بدهد! ایشان در چند مورد، نامه‌هایی خصوصی که در رسانه‌ها منتشر نشدند، برای رؤسای جمهور فرستادند و در مورد مسائلی برای ما نامه‌های مختلفی می‌آید که نکات دارند، برای ما یادآوردند. اگر یادتان باشد، ابوی در مسئله افزایش قیمت بنزین اطلاعیه دادند. همین‌طور در مورد ررای بانک‌ها، در ۱۳ یا ۱۵ مورد تذکر دادند که در فضای مجازی هم پخش شد. مدیرعامل یکی از بانک‌های بزرگ کشور، همراه با معاونین‌شان به دینن مرحوم والد آمدند. بیشتر تذکرات ابوی، در این زمینه بود که بعضی از پول‌هایی که از مردم می‌گیرید، باعث می‌شود که آنها در فشار باشند، برای ما نامه‌های مختلفی می‌آید که معاونین‌شان به می‌شود! حاج آقا فرمودند: من آنچه را که حق بوده بقتلم و باید در سیاست هم گذاشته شود، تا مردم اطلاع داشته باشند که ما این حرف‌ها را به مسئولان می‌زنیم، ولی گاهی کسانی که به دیدار ایشان می‌آمدند، آنچه را که به نفع خوشدان بود، در جامعه پخش می‌کردند و چیزهایی را که به نفعشان نبود، نمی‌گفتند...»

■ **مرجعی که همواره در دسترس مردم بود**

آنان که با فضای دینی و فرهنگی قم آشنا هستند، از این مطلعند که آیت‌الله فقید، از در دسترس‌ترین مراجع تقلید این شهر قلمداد می‌شد و همواره در ساعاتی معین، با مراجعان و مردم سراسر کشور دیدارهای حضوری داشت. این امر، بسا افراد را به وی علاقمند و مجذوب نمود. آیت‌الله علی نظری منفرد از خطبای نامور این شهر، در این فقره معتقد است:

«مهم‌ترین موضوع در این‌باره این است که درب خانه ایشان به روی همه باز بود. حتی در ایام تدریس هم، غروب‌ها پس از آنکه اقامه جماعت می‌کردند، مردم می‌آمدند و مطالبی را که می‌خواستند رودررو با ایشان مطرح کنند، در میان می‌گذاشتند. عالم باید اینگونه باشد. آنچه را که یافته و به‌دست آورده، با روی گشاده به دیگران منتقل کند. در حدیثی از اقا امیرالمؤمنین(ع) هست: العلم ودیعه الله فی الارض و العلماء امانه علیہ، علم ودیعه الهی است و ملما هم، امین‌هایی بر این ودیعه الهی هستند و باید این امانت را حفظ کنند و به مردم برسانند و من این خصوصیت را، در

وجود مبارک ایشان می‌دیدم. ایشان علاقه زیادی به مسلک روحانیت داشتند و تمام فرزندان‌شان روحانی هستند و این خود نشانه تعهد و علاقه ایشان، به این لباس مقدس بود. اطلاع دارم که آقا:اده‌های محترم ایشان هم، در ایام تبلیغ به شهرهای مختلف می‌روند و به ابلاغ معارف الهی می‌پردازند و به توصیه‌های پدر در این زمینه عمل می‌کنند. در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز ایشان به عنوان یک شخصیت مطرح در میان مراجع موجود، در مواقعی که می‌بایست موضع‌گیری کنند و وظیفه خود می‌دانستند که مطلبی را بیان کنند و ارشاداتی داشته باشند، این کار را انجام می‌دادند و آذهان مردم را روشن می‌کردند...»

■ **زندگی او با مردم عادی یکسان بود**

ساده زیستی آن فقیه والا، مدخلی دیگر به شناخت شخصیت و سیره وی محسوب می‌شود. منزل، دفتر، آمد و شد و تمامی جلوه‌های حیات آیت‌الله، نشان از زیستی به سان مردم عادی داشت. او در شرایطی که بخشی از جامعه شرایط دشوار اقتصادی را تحمل می‌کرد، ترجیح می‌داد که در سطح آنان زندگی کند، تا تسکینی بر الام ایشان باشد. علی فولادی محافظ آن معلم اخلاق، در این باره روایتی به شرح ذیل دارد: «مرحوم آقا همیشه روی زمین می‌نشستند و هر کسی هم که با ایشان دیدار داشت، روی زمین می‌نشست. یک مرتبه یکی از بالاترین مسئولان سیاسی کشور، قصد دیدار با ایشان را داشت که در ابتدا تیم تشریفات وی مراجعه و مقدمات کار این شخصیت روی زمین نمی‌شنیدند و قصد آوردن صندلی به دفتر را داشتند! بنده به علت حساسیت موضوع، به محضر معظم له رفته و مسئله را با ایشان مطرح کردم. آقا فرمودند: آیا ایشان مشکل یا، یا، یا نیستند دارند؟، گفتیم: خیر، آقا فرمودند: پس برنامه ما به همان روال قبل می‌باشد، در صورتی که به این امر مایل نیستند، می‌توانند دیدار را کنسل کنند...! وقتی بنده خدمت مسئول تشریفات آن شخصیت رفتم، و مطلب را گفتم، ایشان بسیار ناراحت و کلافه شد و مطلب را با بقیه در میان گذاشت و آنها با سختی موضوع را قبول کردند و آن دیدار نیز، بازتاب بسیار زیادی داشت. داستان‌ها و نکات بسیاری، از روح تواضع انسانیت، خاکی بودن و ساده‌زیستی ایشان، به ذهن بنده می‌آید. مرحوم آقا سعی داشتند تا زندگی شخصی‌شان، کاملاً با مردم عادی و جامعه یکی باشد، یک وسیله ایاب و ذهاب ایشان در قم، ماشینی کاملاً ساده (یک آردی مدل پانچر) بود. در سفرهای مشهد و گرگان نیز، مقید بودند که با ماشین به مسافرت و تبلیغ بروند و یک بار هم — که آخرین سفرشان به مشهد بود — با قطار به زیارت حضرت زضا(ع) مشرف شدند. وقتی پیشنهاد مسافرت با هواپیما به آقا داده می‌شد، می‌گفتند: آقای فولادی وقتی مردم با این وسیله‌ها جا‌به‌جا می‌شوند، چرا ما باید با هواپیما یا ماشین ماشینی مهمی می‌تواند که در زمزه آنها، زمان به درد خواهد آمد...»

■ **روایت یک صدقه چاره**

و سرانجام زنده یاد آیت‌الله سید محمدعلی علوی گرگانی علاوه بر تصدی در مبلغان پر کار دوره خود به شمار می‌آمد. او در سالیانتمادی و شب‌های جمعه، به تهران می‌آمد و در مسجد و هیئتی به وعظ و ارشاد می‌پرداخت. این تکاپوی مبارک پیامدهای مهمی نیز داشت که در زمره آنها، ایجاد یک صندوق قرض‌الحسنه پر کار بود. در این باره بازخوانی روایت علیرضا حدادی از مؤسسان آن روحانی خدوم، مغتنم و به هنگام می‌نماید:

«در بهمن سال ۱۳۵۸ با هفت والای آیت‌الله علوی گرگانی و جمعی از خیرین و اعضای هیئت فاطمیه، این صندوق بنیان نهاده شد و مکان آن ابتدا در پارکینگ حاج آقای نجاری، واقع در خیابان زکوه‌ی کوچه‌بهبود شکل گرفت و سپس به خیابان ناصری (شهید آذرباد) نقل مکان شد. ابتدا صندوق، رسماً از دو باب مغازه شروع به فعالیت کرد که یک باب مغازه را مرحوم مغفور حاج علی مهدوی — که از ارادتمندان واقعی حاج آقا بودند — به صندوق اهدا کردند و یک باب هم از آن مردی پهبودی (احمد احمدی) که حاج علی مهدوی — که از ارادتمندان واقعی حاج آقا بودند — بعد از گذشت چند سال، یعنی در حدود سال ۱۳۶۴، آیت‌الله علوی ملک پشت مغازه‌ها را که بالغ بر حدود ۲۰۰ متر بود، با هدیه‌ای از متقاضیان مختلف سیاسی نسبت به دریافت و اعتباری که داشتند، به مبلغ یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان از آقای درویدیان خریداری نمودند تا مدام همه‌ای این ملک را اجاره می‌دادیم و کمک‌هزینه‌ای برای صندوق بود. بعدها آنها را بازسازی کردیم و به فضای صندوق ملحق شدند. منظور آنکه یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان آن دوره، خیلی پول بود، اما آیت‌الله علوی با توکل به خدا، این کار بزرگ را انجام دادند و یادگاری بسیار نیک، از خود باقی نهادند. هم‌اکنون تمام شش دانگ بنای این صندوق، حقوقی است و به نام هیچ شخص حقیقی نمی‌باشد. این نهاد ۴۳ سال است که فعالیت خیره دار و یکی از خوشنام‌ترین صندوق‌های قرض‌الحسنه تهران است و منشأ برکت برای نیازمندان و گره‌گشای بسیاری از متقاضیان مختلف سیاسی است. همه‌ای آن کار و برکات، به نیت نیک و همت والای آیت‌الله علوی و جمعی از نیکوکاران هیئت فاطمیه وابسته است. یک نکته بسیار مهم را نیز عرض کنم که در تمام این مدت، حضرت آیت‌الله علوی حتی یک بار هم برای خود و فرزندان و اقوام، از صندوق درخواست وام نکردند! ابتدا ایشان عضو هیئت امنای صندوق بودند و کم‌کم همه امور صندوق را، به اعضای هیئت فاطمیه سپردند...»